

بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵-۶۴ سال شهر اهواز

دکتر علی اصغر کیا*

رقیه امیری**

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۶

چکیده

شادکامی و نشاط از ویژگی‌ها و روحیاتی است که در زندگی اجتماعی نقشی اساسی و بنیادین ایفا می‌کند، به گونه‌ای که در مقایسه با هر خصلت و روحیه دیگر، بیشترین سهم را در بهبود روابط و معاشرت‌ها به عهده دارد. این پژوهش با هدف شناخت میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان شهر اهواز صورت گرفته است. داده‌های این تحقیق با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه خودسنجی از نمونه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر از شهروندان

* دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر (نویسنده مسئول)

۶۴-۱۵ ساله شهر اهواز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و اتفاقی که با استفاده از فرمول کوکران انتخاب گردید، جمع‌آوری شده است. فرضیات از طریق شاخص همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر آزمون گردیدند. نتایج پژوهش نشان داد که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی (در هر دو بُعد ذهنی و عینی)، احساس عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، پایبندی به اعتقادات مذهبی، میزان رضایت از خدمات شهری و نشاط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار و بین احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌هنجاری و نشاط اجتماعی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین رگرسیون چندمتغیره نشان داد که ۰/۵۱ از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل پیش‌بینی بوده است.

واژه‌های کلیدی: احساس بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی، اعتماد

اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، نشاط اجتماعی.

مقدمه

انسان موجودی هدفمند است. از زمانی که پا به عرصه این جهان می‌گذارد و به خود، اهداف خود و به جهانی که پیرامون وی است وقوف پیدا می‌کند، در پی آن است تا اهداف خویش را تحقق بخشد، اگر چه اهداف انسان ریشه در نیازهایی دارد که او را در کنش متقابل با دیگران بر ابعاد برشمرده شده وقوف یافته و از تمام امکانات برای دستیابی به آنها بهره می‌گیرد. نقش ارزش‌ها در احساس خوشبختی و نشاط^۱ و در تحقق اهداف نقشی اساسی است. این ارزش‌ها هستند که اهداف را تعیین می‌نمایند و تحقق اهداف، احساس خوشبختی و نشاط را تعیین می‌بخشد. به عبارتی احساس خوشبختی و نشاط بازتاب توازن میان آرزوها و خواسته‌های فردی و میزان تحقق آنها است. زمانی که انسان اهداف خود را محقق می‌یابد احساس نشاط و رضایت می‌کند،

در صورتی که به اهداف خود دست پیدا نکند، نشاط، شادکامی و رضایتمندی وی کاهش می‌یابد. گام نهادن در مسیر توسعه^۱، خود یک هدف نیست بلکه به وجود آورنده شرایطی است که انسان در آن رفاه، آسایش و آرامش بیشتری خواهد داشت. اما گام نهادن در مسیر توسعه و یا ایجاد جامعه‌ای که در آن آرامش و سعادت محقق شود، به زمینه یا مقدماتی نیاز دارد که با اتکاء به آن، این خواست تحقق یابد. از جمله این مقدمات، شادی و نشاط فردی و اجتماعی می‌باشد. در قرن حاضر که متکی بر سرعت و شتاب روزافزون است، جوامع و افراد تشکیل دهنده آنها نیز درگیر همین شتابزدگی می‌باشند. عوامل مادی و معنوی و ابعاد و مؤلفه‌های آنها نیز که بر زندگی افراد نقش بسزا و تأثیرگذاری دارند، مسلماً با توجه به ضروریات و نیازهای روز انسان‌ها اشکال متفاوتی به خود می‌گیرند. آنچه مشاهده و تجربه می‌شود، این است که شادی و نشاط، غایب بزرگ جوامع کنونی است. به نظر می‌رسد آنچه که انسان‌ها از دست داده‌اند، همان شادمانی و نشاط است که برای به دست آوردنش مسیرهای متفاوتی پیموده شده و همچنان نیز پیموده می‌شود. نشاط اجتماعی^۲ در جامعه به صورت تک علیتی نمی‌باشد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی و فرافردی در تقویت و یا کاهش آن در افراد جامعه تأثیر دارند.

طرح مسأله

امروزه باور اساسی بر آن است که در مورد یک ملت تنها با رشد اقتصادی^۳ نمی‌توان قضاوت کرد، بلکه احساس خشنودی^۴، امنیت، رضایت اجتماعی^۵ و شادمانی و نشاط مردم نیز مهم است. در یک جامعه مطلوب، برابری آموزش و بهداشت و احترام به

-
- . Development
 - . Social happiness
 - . Economic Grow
 - . Satisfaction relative
 - . Social satisfaction

حقوق دیگر انسان‌ها و برخورداری از نیازهای اساسی از ملزومات یک جامعه و شاخص‌های توسعه آن به شمار می‌رود (خیرالله پور، ۱۳۸۵). یکی از چالش‌های فراروی انسان در دنیای امروز، احساس بهزیستی و شادمانی است، چرا که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری و تأمین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است (قطره‌ای، ۱۳۸۵: ۸). «شادمانی و رضایت مردم از زندگی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه مطرح است. بین شادی و زندگی رابطه مستقیمی وجود دارد. یعنی کسی که در ظاهر و باطن شاد است، چهره‌ای گشاده دارد، امیدواری، پویایی و تفکر منطقی بر وجودش حکمفرماست. شادی، تصمیم‌گیری را برای او آسان می‌سازد و تلاش و قدرت بهره‌مندی از فکر و عقل را برای او راحت‌تر می‌نماید. چنین انسانی، زمین را بر خود تنگ نمی‌بیند، در کوچه باغ زندگی او از بن بست خبری نیست؛ در نتیجه از زندگی کردن لذت می‌برد و وجودش برای خود و دیگران ارزشمند می‌گردد» (رحیمی‌یگانه، ۱۳۸۶: ۲۵). نشاط اجتماعی یکی از اصلی‌ترین نیازهای جوامع امروزی است، چرا که شهروندان کلانشهرها کمتر فرصت این را پیدا می‌کنند که به خودشان و نیازهایشان فکر کنند و به شدت مستعد افسردگی می‌شوند. جامعه با نشاط و فرهمند جامعه‌ای است که استعدادهای افراد آن شکوفا شده و رفاه و امنیت را برای آحاد آن جامعه به ارمغان آورد؛ در مقابل، جامعه افسرده، خموده و غمگین، هر روز بر مشکلاتش افزوده شده و با شتاب رو به انحطاط می‌گراید.

گسترش شهرها و صنعتی شدن جوامع تأثیرات فراوانی در نشاط یک جامعه دارد و چنانچه مسائل حاشیه‌ای از جمله درگیری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی هم به این موارد اضافه شود، در نهایت آنچه را که باید در هیاهوی شهرنشینی جستجو کرد، نشاط و شادی عمومی است (البرزی، بی تا). جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب می‌باشند،

مبادرت ورزد. نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای است از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته فرهنگی قرار دارند و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. سطح پایین نشاط اجتماعی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود (ازکمپ، ۱۳۷۳: ۶۶). با ورود به هزار سوم میلادی، شهرها به ویژه کلان شهرها با مسائل عدیده‌ای درگیر هستند که نمود عینی آنها را در گسترش آلودگی‌ها، مسائل زیست محیطی، بالا رفتن جرائم و در نهایت در پایین آمدن نشاط اجتماعی افراد می‌توان مشاهده نمود. انگیزه‌ای که محقق را بر آن داشت تا این موضوع را انتخاب کند، در این مسأله نمود پیدا می‌کند که شهر اهواز به عنوان یک کلان شهر از یک سو با مشکلات عدیده‌ای در قالب زندگی شهری مواجه است (وجود بیش از ۴۰۰ هزار حاشیه نشین) و از سوی دیگر با میزان بالایی از نرخ جرم مواجه است که طبعاً با مسئله نشاط اجتماعی در ارتباط هستند. از سوی دیگر بافت ناهمگن جمعیتی شهر اهواز و وجود قومیت‌های متعدد، که گاهی به بروز چالش‌های قومی می‌انجامد می‌تواند بر میزان نشاط اجتماعی شهروندان اثر منفی گذاشته که پیامدهای آن بر نظم اجتماعی و سلامت روحی - روانی شهروندان بعضاً جبران ناپذیر است. حتی وجود شرایط خاص آب و هوایی استان خوزستان و شهر اهواز می‌تواند دلیل دیگری برای طرح مسئله میزان نشاط اجتماعی شهروندان شهر اهواز و عوامل مرتبط با آن باشد. اگر به روند شهرنشینی در اهواز، با دیدی جامعه‌شناسانه نظر افکنیم در می‌یابیم که شهر اهواز پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در زمان جنگ تحمیلی و پایان آن به علت مهاجرت از شهرهای اشغال شده و مهاجرت روستاییان و مهاجرت از دیگر شهرهای استان به شدت گسترش یافته و اگر چه این نوع توسعه شهری فقر فیزیکی بوده است، با خود مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را به همراه داشته است. امروزه بر اساس مباحث روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌ای دارای نشاط اجتماعی است که افراد

۱۴۳ بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط ...

آن جامعه از زندگی خود لذت برده و زندگی برای آنها معنا داشته، هدفمند باشد و از بیم و هراس به دور باشد و این امر مستلزم داشتن یک روحیه با نشاط و شاداب در بین افراد جامعه است.

بنابراین با توجه به مباحث یادشده سؤال این پژوهش این گونه مطرح خواهد شد که: میزان نشاط اجتماعی در بین شهروندان کلان شهر اهواز چقدر است و عوامل مرتبط با آن کدامند؟

اهداف پژوهش

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش شناخت میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۶۴ سال شهر اهواز می باشد.

اهداف جزئی

علاوه بر هدف کلی که پیش تر بدان اشاره شد، از اهداف جزئی نیز می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- شناخت رابطه میزان احساس محرومیت نسبی و میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه احساس امنیت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه رضایت اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه میزان پایبندی به اعتقادات مذهبی با میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی (بُعد ذهنی) و میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی (بُعد عینی) و میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه احساس عدالت اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه احساس بی هنجاری با میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه احساس همبستگی اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی.

- شناخت رابطه اعتماد اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی.
- شناخت رابطه میزان رضایت از خدمات شهری با میزان نشاط اجتماعی.
- ارائه راهکارهای عملی افزایش نشاط اجتماعی در افراد.

مبانی نظری

نشاط

احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود (Argyle, :). از نظر آرگایل، نشاط دارای سه جزء اصلی شامل: عاطفه مثبت، فقدان عاطفه منفی (از قبیل افسردگی و اضطراب) و رضایت از زندگی می‌باشد (لیاقتدار و همکاران، ۱۳۸۷).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی محدوده‌ای از هنجارهای ویژه‌ای در یک گروه اجتماعی است که نه برای همه، بلکه فقط برای عده‌ای از اعضای گروه تعیین کننده و مقیاس گذارنده رفتار باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۱۸).

احساس بی‌هنجاری

احساس بی‌هنجاری، حالتی است که فرد احساس نمی‌کند برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیاز به وسایل مشروع دارد و یا کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌کنند که مورد تأیید جامعه نیستند (ستوده، ۱۳۸۶: ۲۴۵).

احساس محرومیت نسبی

محرومیت نسبی یعنی «شکاف ناگهانی و فزاینده میان توقعات و بهره‌مندی‌ها، قطع نظر از این که واقعی یا واهی باشد، باعث بروز احساس محرومیت نسبی می‌گردد» (بشیریه، ۱۳۷۲: ۷۲). به طور کلی، محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی

۱۴۵ بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط ...

و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشت‌ها و تصوراتی است که به واسطه مقایسه اجتماعی پدید می‌آید (Chandrd, ۲۰۰۵: ۳۰۵).

همبستگی (انسجام) اجتماعی

همبستگی اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان یک جامعه دارد. به عبارتی «انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

پایبندی به اعتقادات مذهبی

پایبندی به اعتقادات مذهبی به اعتقادات و رعایت هجاریهای دینی افراد اشاره دارد که در آن کاهش یا افزایش میزان پایبندی‌های افراد نسبت به مسائل دینی و شرعی، اعتقادات مرتبط با آموزه‌های دینی، حلال و حرام دانستن مورد توجه بوده است (نادری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

اعتماد اجتماعی

اعتماد به معنی اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگی‌های یک شخص و یا حتی درستی یا حقانیت یک نظریه تعریف شده است. اندیشمندان علوم اجتماعی هر کدام از نقطه نظر خاص خود به تعریف اعتماد پرداخته‌اند. برای مثال لومان میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان تفاوت قائل شده و معتقد است که اعتماد با مفهوم مخاطره یا ریسک در ارتباط است و در دوران اخیر مطرح شده است (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۱۱).

عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی از جمله موضوعاتی است که از دیر باز مورد توجه متفکران و فلاسفه اجتماعی قرار گرفته است (پورعزت، ۱۳۸۰: ۲۵). عدالت را باید در ردیف مفاهیم ذهنی قرار داد، چرا که به طور عینی و مشهود قابل رویت نیست، بلکه در اثر انتزاع بخشی از پدیده اجتماعی می‌توان به آن صفت عادلانه بودن یا نبودن را اطلاق

کرد. به عبارتی اطلاق عدالت، نوعی ارزش‌گذاری بر یک وضعیت است و از این رو مفهومی اخلاقی است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۴۰۴).

رضایت از خدمات شهری

به عقیده لونت مفهوم رضایت از خدمات شهری بر دو موضوع تمرکز دارد: ۱- رفاه شخصی ۲- کیفیت زندگی شهری. رفاه شخصی بر فرد مقرب است و کیفیت زندگی شهری به محیط مرتبط می‌باشد. کیفیت زندگی به وسیله شاخص‌های عینی و ذهنی اندازه‌گیری و ارزیابی می‌شود، در حالی که شاخص‌های عینی، محیط زندگی و کار را تشریح می‌کنند. به طور کلی شاخص‌های ذهنی برای اندازه‌گیری رفاه شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند و شاخص‌های عینی برای مقایسه شهرها و مکان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر اساس شاخص‌های ذهنی، رفاه شخصی به رضایتمندی بر می‌گردد در حالی که بر اساس شاخص‌های عینی قابل مقایسه، کیفیت زندگی و نوع خدمات شهری به قابلیت زندگی رجوع می‌کند (ربانی، ۱۳۸۱).

احساس امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد (خومحمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

چارچوب نظری

دورکیم

دورکیم، هنگام نوشتن خودکشی، نظریه‌ای کلی در مورد همبستگی اجتماعی و اعمال مذهبی در ذهن داشت. نظریه دورکیم بر آن است که افراد در همه ابعاد زندگی شان، حتی امور فردی، کاملاً وابسته به جامعه هستند. جامعه هویت بخش است، به نیروهای تنش‌زای زندگی روزمره ثبات می‌بخشد و انسان معنوی را به همان اندازه انسان مادی

حمایت می‌کند. جامعه از طریق «وجدان جمعی»، که بسته به میزان پیشرفت اجتماعی، ملموس یا انتزاعی است، همیشه در ذهن هر انسانی حاضر است (اسکیدمور، ۱۳۷۵: ۸). او درباره رابطه انسان با نیازها و اهداف یا آرزوهایش بحث می‌کند و معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است اما با از هم پاشیدگی هنجارها (و بنابراین از بین رفتن کنترل آرزوها)، آنومی یا یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد طبعاً نمی‌توانند ارضاء و اشباع شوند، در نتیجه یک نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می‌آید (رفیع پور ۱۳۷۸: ۱۸). به نظر دورکیم در شرایط آنومیک که بیماری جوامع مدرن است به علت تضعیف هنجارها زمینه مناسب کج رفتاری فراهم می‌شود. دورکیم به تحولات سریع اجتماعی توجه دارد و با تقسیم کار اجباری که در انسجام ارگانیک پیش آمده است مخالف است. گسترش تقسیم کار و تضعیف روح جمعی در عین حال که میزانی از آزادی را به دنبال دارد می‌تواند خطر دیگری را در پی داشته باشد که آن سطح خواسته‌های بی‌انتهای فرد است. منبع اصلی کج رفتاری در انسجام ارگانیک دو بُعد دارد: اول شرایط آنومیک که در اثر تغییر و تحول سریع به وجود می‌آید و شرایطی که اخلاق اجتماعی دچار حالت اغتشاش شده باشد و بُعد دیگر آن فردگرایی است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۶).

مرتون

رابرت مرتون^۱ معتقد است که در جوامع باز به لحاظ طبقاتی که امکان رقابت و ارتقاء در سلسله مراتب اجتماعی در آنها وجود دارد؛ جامعه اهداف مطلوب اجتماعی را برای همه افراد تجویز می‌کند (دستیابی به ثروت و شأن) اما وسایل دستیابی به این اهداف را یکسان بین اعضای جامعه توزیع نمی‌کند. برای مثال طبقات پایین تر جامعه

به‌اندازه طبقات بالاتر جامعه آرزومندی دستیابی به این اهداف را دارند اما امکانات رسیدن به این اهداف در اختیار آن‌ها نیست، در این حالت بین آرزومندی‌ها و امکانات شکافی پیش می‌آید که فرد را دچار ناکامی و احساس خصومت نسبت به نظم هنجاری موجود می‌کند. افراد در مقابل بروز این شکاف یکسان پاسخ نمی‌دهند و با توجه به میزان پذیرش اهداف و وسایل شروع برای رسیدن به این اهداف به پنج شکل واکنش می‌دهند. مرتون می‌نویسد، در بین عناصر اجتماعی و ساختارهای فرهنگی، دو مورد از آنها دارای اهمیت بی‌واسطه هستند. اولین آن شامل آن‌چه به لحاظ فرهنگی، اهداف، مقاصد و علایق تعریف شده است؛ می‌باشد. اهداف کم و بیش یکپارچه هستند و تقریباً در سلسله مراتب ارزشی منظم می‌شوند. دومین عنصر از ساختار فرهنگی چنین تعریف می‌شود: شیوه‌های قابل قبول برای رسیدن به این اهداف که منظم و کنترل شده‌اند (مرتون، ۱۹۶۸: ۱۸۶ و ۱۸۷). به نظر وی، در یک جامعه منظم اهداف و ابزار یا شیوه‌ها در هماهنگی و یگانگی و تطابق به سر می‌برند؛ هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار دارند. عدم تطابق، زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزون بر اهداف و یا ابزار یا شیوه‌های دستیابی به هدف قرار گیرد. به نظر مرتون در جامعه آمریکایی تأکیدی بیش از حد بر اهداف دیده می‌شود و لزوم توجه به شیوه‌های نهادی شده برای دستیابی به هدف به دست فراموشی سپرده شده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۵ و ۶۶).

پارسونز

از نظر پارسونز، یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که، در موقعیتی که دست کم جنبه‌ای فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران بر حسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته می‌شوند و رابطه شان با موقعیت‌هایشان و همچنین با همدیگر، بر حسب و به واسطه یک نظام ساختاربندی شده فرهنگی و نمادهای مشترک، مشخص می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۴). پارسونز در نظریات خود ادعا می‌کند: " که ادغام نظام‌های فرهنگی و شخصیت

در نظام اجتماعی امکان پذیر است و این ادغام از طریق استفاده از یک مفهوم «نظام ارزشی مرکزی» صورت می‌گیرد. این مفهوم، هسته مرکزی نظریه نظم پارسونز را تشکیل می‌دهد. او در کتاب نظام اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه روابط نقش بر اساس انتظارات مشترک در مورد رفتار و نگرش‌های افراد دیگر به وجود می‌آید (صبوری، ۱۳۸۵: ۱۷۳). این انتظارات خود نتیجه فرآیندهای مشترک درونی ساختن هنجارهای جامعه و اجتماعی شدن هستند. دو نوع رضایت در جامعه برای افراد وجود دارد: ۱- رضایت درونی، ۲- رضایت ابزاری در سطح سازمان، رضایت‌های روانی شامل تأیید فرد از جانب دیگران، تصدیق موفقیت شغلی و تأمین شغلی است و رضایت‌های ابزاری شامل پاداش‌های موجود در سازمان‌هاست که اساساً از نوع پاداش‌های مادی است. پس چنانچه نظام فرهنگی بتواند بین نظام شخصیتی و انتظارات روانی و مادی آنها و اهداف سازمانی که توسط نظام فرهنگی درونی شده‌اند، ارتباط منطقی ایجاد کند، کنشگران می‌توانند ضمن دستیابی به اهداف سازمانی، به اهداف و منافع فردی خود برسند و احساس رضایتمندی، مشارکت در امور سازمان یا احساس مفید بودن و مؤثر بودن، اعتماد به نفس، کنترل بر جریان امور و احساس عدالت بکنند. همچنین پاداش‌های مادی که حاصل کار و تلاش آنان است را کسب کنند (همان: ۱۷۴).

هومنز

هومنز استدلال می‌کند که وقتی مردم پاداش‌های مورد انتظار را برای کنش‌هایشان دریافت نمی‌دارند، یا تنبیهی را دریافت می‌دارند که مورد انتظار نیست، خشمگین می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که پرخاشگرانه عمل نمایند و نتایج چنین رفتار پرخاشگرانه را ارزشمند ببینند. قضیه پرخاشگری فقط در مورد عواطف منفی دلالت دارد، در حالی که قضیه تأیید به عواطف مثبت تر می‌پردازد و استدلال می‌کند که وقتی مردم پاداش مورد انتظار را دریافت می‌کنند، به ویژه اگر پاداش مورد نظر بیشتر از حد

انتظار باشد، خرسند خواهند شد، در نتیجه، احتمال بیشتری دارد که آنها رفتاری را انجام دهند که تأیید دریافت داشته است و نتایج آن رفتار ارزش فزاینده‌ای خواهد یافت (ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۴۴). اصل عدالت توزیعی در همین مورد به کار می‌رود. غالباً افراد گوناگون پاداش‌های یکسانی را کسب نمی‌کنند، این امر موجب سرخوردگی می‌شود. هومنز توضیح می‌دهد، کسی که احساس می‌کند سرش کلاه رفته است، (درک نامنصفانه بودن عدالت توزیعی)، احتمالاً رفتاری هیجانی از خود نشان می‌دهد که آن را عصبانیت می‌نامیم. کسی که زیانی ناعادلانه را تحمل می‌کند، دست کم می‌آموزد که شکایت کند (دیلینی، ۱۳۸۹: ۴۰۰). پاداش هرکس از یک عمل و یا یک مبادله باید متناسب با میزان سرمایه‌گذاری و مشارکت وی باشد زیرا هرکس خود را بر حسب پاداش‌هایی که دریافت می‌دارد با دیگران مقایسه می‌کند و این توقع را دارد که سهم و پاداش هر کس با میزان سرمایه‌گذاری وی مطابقت داشته باشد (والیس و ولف، ۱۹۸۶: ۱۶۰). نقش عدالت توزیعی در روابط اجتماعی بدان معناست که فرد در روابط متقابل با دیگری انتظار دارد که پاداش‌های هر فرد در جهت هزینه‌های وی باشد، یا به عبارت دیگر هر چه پاداش بیشتر، هزینه بیشتر و سود بیشتر (کاستانزو و شاو، ۱۹۸۵: ۷۷).

گیدنز

در نظریه گیدنز مفهوم محوری، مفهوم مخاطره است. تعاریف گیدنز از اعتماد و بی‌اعتمادی درباره مفهوم مخاطره شکل گرفته است. اعتماد از دیدگاه گیدنز نه کیفیتی کلی و وجهی از همبستگی اجتماعی، بلکه شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر حیات اجتماعی به شمار می‌رود. کانون اصلی اعتماد در تمام انواع آن، استمرار رفتار و زندگی و سپس قابلیت پیش‌بینی آن می‌باشد (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳). از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام‌های ما پیش از مدرنیته متأخر از نوع پابندی‌های چهره‌دار و مبتنی بر هم‌حضور است، حال آنکه در مدرنیته متأخر اعتماد غیر شخصی و به دیگران

ناشناس یا به عبارت دیگر «بی توجهی مدنی»^۱ جنبه بنیادی روابط اعتماد بین افرادی است که از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی ریشه گرفته‌اند. در این شرایط جلب اعتماد به جای حفظ اعتماد در نظام‌های گذشته اهمیتی اساسی می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۴۴). در عین حال وجه عمده اعتماد پای بندی‌های بی چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد و این مسئله اساساً چندان از اهمیت برخوردار است که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی است (همان، ۹۹).

بر اساس مبانی نظری بیان شده یازده متغیر اجتماعی در ارتباط با نشاط اجتماعی مشخص و انتخاب شدند. این متغیرها عبارتند از: پایبندی به اعتقادات مذهبی، همبستگی اجتماعی و احساس بی‌هنجاری (از دورکیم)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی (در دو بُعد ذهنی و عینی)، احساس بی‌هنجاری و احساس محرومیت نسبی (از نظریات مرتون)، احساس امنیت اجتماعی، رضایت اجتماعی و همبستگی اجتماعی (از پارسونز)، احساس عدالت اجتماعی و رضایت از خدمات شهری (از نظریه عدالت توزیعی هومنز) و اعتماد اجتماعی (از گیدنز).

فرضیات پژوهش

۱. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بُعد ذهنی) و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بُعد عینی) و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین احساس محرومیت نسبی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.

۴. بین احساس بی‌هنجاری و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین احساس عدالت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۶. بین همبستگی (انسجام) اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۷. بین اعتماد اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۸. بین رضایت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۹. بین احساس امنیت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۱۰. بین پایبندی به اعتقادات مذهبی و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.
۱۱. بین رضایت از خدمات شهری و میزان نشاط اجتماعی شهروندان اهوازی رابطه معنادار وجود دارد.

پیشینه تحقیق

چلبی و موسوی (۱۳۸۷)، تحقیقی را با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان" انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سطح شادمانی در جامعه ایران پایین و بیش از نیمی از افراد میزان شادمانی شان کمتر از حد متوسط است. رابطه بین شادمانی و بی‌اعتمادی، آنومی، احساس ناامنی، معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند. در سطح کلان رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی و احساس شادمانی وجود دارد. در مورد تأثیر عوامل مادی بر شادمانی نیز، بر اساس نتایج

این تحقیق می‌توان اظهار کرد که در سطح خرد همراه با افزایش درآمد، افزایش چندانی در میزان شادمانی افراد به وجود نمی‌آید اما در سطح کلان میانگین شادمانی افراد در کشورهای با سطح توسعه اقتصادی و درآمد بالاتر، بیشتر از میانگین شادمانی افراد در کشورهای کم درآمدتر است.

گنجی (۱۳۸۷)، پژوهشی با عنوان "تحلیل عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانواده در شهر اصفهان" انجام داده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که: میانگین احساس شادی در بین سرپرستان خانوارها ۵۶/۲۳ بوده (بُعد احساسی ۵۹/۳۷، بُعد اجتماعی ۵۵/۴۲ و بُعد شناختی ۵۳/۸۸) و از بین متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت شناختی مورد مطالعه، شادی سرپرستان خانوار بر حسب جنس، وضعیت تأهل، نوع مسکن، استعمال سیگار، شغل، میزان تحصیلات و وضعیت سلامتی روحی و جسمی متفاوت است. همچنین متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، رضایت از امکانات منطقه‌ای، میزان برخورداری از حقوق شهروندی، میزان منزلت‌نقشی (کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی)، دینداری، وضعیت اوقات فراغت، درآمد، ورزش هفتگی و گوش دادن به موسیقی، با احساس شادی سرپرستان دارای همبستگی مستقیم است. به طوری که مدل پدست آمده از متغیرهای مؤثر بر اساس رگرسیون چندگانه با روش گام به گام، ۴۵ درصد از واریانس احساس شادی در جامعه آماری را تبیین می‌کند.

هزارجریبی و آستین فشان (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی" در بین ۲۰۰۰ نفر از افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن استان تهران به این نتایج رسیدند که نشاط اجتماعی بین ۱۸ درصد از پاسخگویان در حد کم و بسیار کم می‌باشد و ۲۸ درصد از آنها از احساس نشاط بالایی برخوردارند. هم چنین بین احساس محرومیت، ارضای نیازها، احساس مقبولیت نزد دیگران، احساس عدالت توزیعی، فضای عمومی جامعه، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۹) در پژوهشی به "بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان مرکزی)" پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که احساس شادکامی در بین ۱۸/۵ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم در مقابل ۱۹/۵ درصد از ایشان در حد بالایی و ۶۲ درصد هم متوسط بوده است. عوامل تبیین کننده شادکامی اجتماعی بر طبق مدل مسیر، نشان می‌دهد که در ابتدا متغیر امید به آینده وارد معادله شده است. متغیرهای بعدی عبارتند از: احساس مقبولیت اجتماعی (با ضریب ۰/۲۸)، ارضای نیازهای عاطفی (با ضریب ۰/۲۶)، پایبندی به ارزش‌های دینی (با ضریب ۰/۱۱)، بالا رفتن سن افراد (با ضریب ۰/۰۸)، احساس عدالت توزیعی (۰/۰۷)، فضای مناسب اخلاقی عمومی (۰/۰۶)، عدم احساس امنیت (۰/۰۵)، احساس امنیت (۰/۰۵). در مجموع متغیرهای یادشده توانسته‌اند ۰/۵۵ از تغییرات یا واریانس متغیر شادکامی اجتماعی را تبیین کنند.

صحرائیان و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان "رابطه نگرش مذهبی و شادکامی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز" با حجم نمونه ۲۷۱ نفری دانشجوی رشته پزشکی (۱۶۴ مرد و ۱۰۷ زن)، روش تحقیق توصیفی-مقطعی و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی و با استفاده از پرسشنامه نگرش مذهبی خدایاری فرد و شادکامی آکسفورد به این نتایج رسیدند: رابطه بین شادکامی و نگرش مذهبی، سن و شادکامی و سن و مذهب معنادار بوده است.

لوایس و همکاران^۱ (۲۰۰۵)، تحقیقی با عنوان "جهت‌گیری مذهبی، الگوبرداری مذهبی و شادکامی در بین جوانان بریتانیا" انجام داده‌اند. هدف آنها از این تحقیق بررسی رابطه مذهب و نشاط از طریق متون و یافتن تأثیرات این موضوع بر سلامت روانی بود. جهت این کار حجم نمونه‌ای به تعداد ۱۳۸ نفر از جوانان بریتانیایی انتخاب و داده‌ها از طریق ۲ مقیاس مذهب (مقیاس جهت‌گیری مذهبی (خرده مقیاس‌های

درونی و بیرونی) و مقیاس الگوبرداری (خرده مقیاس منفی و مثبت) و شادکامی (افسردگی - شادکامی و فرم کوتاه پرسشنامه شادکامی آکسفورد) جمع‌آوری شد. بطور کلی رابطه معناداری بین نمرات مذهب و نمرات شادکامی پیدا نشد. همچنین همبستگی بالایی بین نمرات دو خرده مقیاس جهت‌گیری مذهبی و الگوبرداری مذهبی مثبت وجود داشت و رابطه معناداری با نمرات پرسشنامه فرم کوتاه شادکامی آکسفورد نیز داشت.

اسنوپ^۱ (۲۰۰۸)، تحقیقی با عنوان "مذهبی بودن و شادکامی در سه کشور" انجام داده است. وی در این تحقیق در پی این بود که تأثیر مذهب را بر شادکامی بررسی کند. برای این کار وی تحقیق ارزش‌های جهانی را در سه کشور آمریکا، هلند و دانمارک در سال ۲۰۰۰ انجام داد. وی از هفت شاخص خودگزارشی جهت مذهبی بودن استفاده کرد و شادکامی را تنها با یک سؤال در مورد میزان رضایت از زندگی سنجید. همبستگی‌های بین مذهبی بودن و شادکامی به نظر مثبت ولی ناچیز می‌رسید. بیشترین همبستگی مربوط به آمریکا با مقدار ۰/۱۳ بیشترین معناداری سپس در هلند و دانمارک هر کدام با مقدار ۰/۰۵ بدون معناداری بود.

روش شناسی

روش این تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد. تکنیک به کارگرفته شده پرسشنامه می‌باشد. به عبارتی در این تحقیق بخش عمده‌ای از داده‌ها از طریق پرسشنامه به دست آمده است. علاوه بر این چون جامعه آماری متشکل از تمام افراد بیسواد و با سواد می‌باشند پژوهشگر قسمتی از جمع‌آوری داده‌ها را از طریق مصاحبه جمع‌آوری کرده است. در ساخت پرسشنامه و سنجش متغیرها، از طیف لیکرت استفاده شده. جمعیت آماری در

این تحقیق، تمام افراد اعم از زن و مرد واقع در محدوده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال شهر اهواز می‌باشند که بنابر سالنامه آماری شهرداری (۱۳۸۹) ۹۲۴۱۶۸ نفر بوده‌اند و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران، استفاده شده است، که این تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شد. در این پژوهش از نمونه‌گیری تلفیقی و ترکیبی که شامل روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۱ و اتفاقی است، استفاده شده است و مانند بیشتر تحقیقات پیمایشی واحد تحلیل «فرد» می‌باشد و نتایج تحلیل به افراد قابل تعمیم هستند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون ضریب همبستگی، برای رابطه یابی بین متغیرها، از رگرسیون چندمتغیره، برای تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و هم‌چنین برای تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها از تحلیل مسیر استفاده شده است. برای عملیاتی کردن متغیرهای نشاط اجتماعی؛ از شاخص‌هایی هم چون (لذت بردن از زندگی برایم مشکل است؛ تنها کارکردن را به کارهای دسته جمعی ترجیح می‌دهم؛ در کودکی خوشبخت‌تر از حال بودم و...)، رضایت از خدمات شهری (وسایل نقلیه عمومی به اندازه کافی برای شهروندان وجود دارد؛ در شهر ما مشکلی به نام سد معبر وجود ندارد؛ فضای سبز مانند پارک‌ها در شهر ما به اندازه کافی وجود ندارد و...)، پایبندی به اعتقادات مذهبی (بستگی اعمال و اعتقادات مذهبی سرچشمه فساد اخلاقی است؛ علاوه بر رفاه مادی، وجود اعتقادات مذهبی برای سعادت انسان لازم است؛ در این که جهان هستی مقصد و مقصودی دارد، تردید ندارم و...)، احساس امنیت اجتماعی (ارتباط و دوستی با افراد غریبه؛ تأمین اجتماعی ایام بیکاری و بازنشستگی؛ تردد در مسیرهای خلوت خصوصاً در شب و...)، رضایت اجتماعی (من از اوقات فراغت خودم لذت می‌برم؛ مسئولین در رفتار و گفتارشان با مردم صادق هستند؛ بیمارستان‌های دولتی

نیاز درمانی شهروندان را برطرف می‌کنند و...، اعتماد اجتماعی (مردم نسبت به یکدیگر اعتماد دارند؛ این روزها شرایط به گونه‌ای شده است که شما حتی نمی‌توانید به برادر و خواهر خودتان نیز اعتماد کنید؛ من دوستان زیادی دارم که می‌توانم با آنها رفت و آمد داشته باشم و...)، همبستگی (انسجام) اجتماعی (باورها و اعتقادات مشترکی بین من و سایر افراد جامعه وجود دارد؛ نسبت به جامعه و هموطنانم احساس تعلق خاطر می‌کنم؛ در جامعه ما کمتر کسی وجود دارد که همه چیز را در پول می‌بیند و...)، عدالت اجتماعی (در جامعه فعلی می‌توان بدون پول و پارتی به حق خود رسید؛ در استخدام کارکنان ادارات، به تجربه و تخصص زیاد اهمیت می‌دهند؛ اگر حقی از کسی ضایع شود، نمی‌تواند از طریق قانونی احقاق حق کند و...)، احساس بی‌هنجاری (امروزه اوضاع مردم، از هر لحاظ، روز به روز بدتر می‌شود؛ بعضی وقت‌ها واقعاً نمی‌دانم که معنای زندگی چیست؛ هیچ‌کس نمی‌داند که از او و زندگیش چه انتظاری می‌رود و...)، احساس محرومیت نسبی (اغلب خودم را با دیگران مقایسه می‌کنم؛ به کسی که اکنون هستم و چیزی که اکنون دارم راضی هستم؛ امکانات رفاهی خانواده من در مقایسه با دیگران در سطح پایین‌تری قرار دارد و...)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی «بعد ذهنی» (فکر می‌کنید مردم جامعه وضعیت شغلی پدر شما را (چه شاغل، چه بیکار) چگونه ارزیابی کنند؟ فکر می‌کنید درآمد خانواده شما به چه میزان برای هزینه زندگیتان کفایت می‌کند؟ فکر می‌کنید مردم جامعه وضعیت تحصیلی پدر شما (چه بیسواد، چه باسواد) چگونه ارزیابی می‌کنند؟ و...)، و در بُعد عینی از سئوالاتی همچون سطح تحصیلات فرد و پدر و مادر و میزان درآمد خانواده استفاده شده است.

در این تحقیق از اعتبار صوری^۱ استفاده شده است. هم چنین جهت سنجش پایایی^۲ ابزار پژوهش از آلفای کرونباخ^۳ و همچنین اعتماد سازه‌ای استفاده شد. «مقدار آلفای کرونباخ برای پایایی متغیرها ۰/۶۵ در نظر گرفته می‌شود» (دواس، ۱۳۸۶). در این تحقیق جهت محاسبه مقدار آلفای کرونباخ در ابتدا ۴۰ پرسشنامه به عنوان پیش آزمون توسط افراد توزیع شد که پس از محاسبه این ضریب، مقدار آن برای هر یک از متغیرها به شرح زیر به دست آمد:

جدول ۱- مقدار آلفای متغیرهای تحقیق

مقدار آلفا	نام متغیر
۰/۶۷	پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی)
۰/۶۸	احساس محرومیت نسبی
۰/۶۹	احساس بی‌هنجاری
۰/۷۲	احساس عدالت اجتماعی
۰/۷۴	همبستگی اجتماعی
۰/۷۱	اعتماد اجتماعی
۰/۷۳	رضایت اجتماعی
۰/۸۱	احساس امنیت اجتماعی
۰/۸۵	پابندی به اعتقادات مذهبی
۰/۷۵	رضایت از خدمات شهری

-
- . Face Validity
 - . Reliability
 - . Cronbach, s coefficient Alpha

۰/۸۲	نشاط اجتماعی
------	--------------

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

از کل جمعیت نمونه ۳۸۴ نفری پژوهش حدود ۵۳ درصد زن و ۴۷ درصد مرد بوده‌اند که این افراد از ۱۵ تا ۶۰ سال سن داشته و میانگین سنی آنها حدود ۲۷ سال و انحراف استاندارد آن حدود ۷ بوده است. از بین این افراد حدود ۵۵ درصد مجرد و ۴۵ درصد متأهل و از نظر وضعیت اشتغال حدود ۵۰ درصد شاغل و ۵۰ درصد غیر شاغل بوده‌اند. متغیر وضعیت تحصیلی متغیر سنجیده شده دیگر در این پژوهش بوده است که بیش از ۵۴ درصد افراد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از آن بوده‌اند. البته حدود ۱۸ درصد از افراد دارای تحصیلات لیسانس بوده‌اند که به نظر می‌رسد جمعیت قابل ملاحظه‌ای از افراد را شامل می‌شوند. تحصیلات پدر در مورد ۸۳ درصد از افراد نمونه کمتر از دیپلم بوده و در مورد تحصیلات مادر نیز این رقم معادل ۹۰ درصد می‌باشد. میزان درآمد در بیشتر خانواده‌ها نیز کمتر از ۶۰۰ هزار تومان می‌باشد (۵۳ درصد) که این نشان دهنده میزان کم در آمد و سطح پایین وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در جمعیت نمونه تحقیق می‌باشد. محل تولد ۷۷ درصد افراد شهر و بقیه زاده روستا می‌باشند که بیش از ۴۸ درصد از افراد ۱ تا ۱۷ سال است که ساکن اهواز می‌باشند و همین تعداد نیز بین ۱۸ تا ۳۵ سال است که ساکن اهواز می‌باشند و تنها ۳ درصد بیشتر از ۳۶ سال است که ساکن شهر اهواز هستند. این نشان دهنده میزان بالای مهاجرت در ۳۵ سال اخیر از سایر شهرستان‌ها یا روستاها به شهر اهواز بوده است. عمده قومیت‌های تشکیل دهنده جمعیت نمونه شامل: قومیت عرب، لر سپس فارس است که به ترتیب ۳۲ درصد ۳۰

درصد و ۲۹ درصد را شامل می‌شوند. هم‌چنین میزان نشاط اجتماعی در ۵ درصد از افراد کم، در ۷۴ درصد از افراد متوسط و در ۲۱ درصد از پاسخگویان زیاد بوده است. در مورد متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق نیز، پایگاه اجتماعی - اقتصادی در دو بُعد سنجیده شده است. در بُعد عینی حدود ۲۹ درصد از افراد در سطح پایین، حدود ۵۲ درصد در سطح متوسط و بقیه دارای پایگاه بالای اجتماعی - اقتصادی بوده‌اند. در مورد بُعد ذهنی نیز نتایج مشابه نتایج توزیع فراوانی افراد در بُعد عینی پایگاه اجتماعی - اقتصادی بوده است. ۳۱ درصد از افراد خود را در گروه پایین، ۵۱ درصد متوسط و بقیه خود را از گروه‌های بالای پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانسته و عنوان کرده‌اند. احساس بی‌هنجاری در ۲۸ درصد از افراد نمونه پایین، در ۴۵ درصد متوسط و در ۲۵ درصد از آنها بالا بوده است. متغیر دیگر این تحقیق احساس عدالت اجتماعی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان از پایین بودن احساس عدالت اجتماعی در بین ۵۵ درصد از افراد نمونه تحقیق دارد. ۴۱ درصد دارای احساس عدالت اجتماعی متوسط و تنها ۳ درصد از احساس عدالت اجتماعی بالا برخوردار بوده‌اند. ۱۶ درصد از افراد دارای همبستگی اجتماعی پایین ۷۱ درصد متوسط و ۱۳ درصد دارای همبستگی اجتماعی بالا بوده‌اند. در مورد متغیر اعتماد اجتماعی نیز پاسخگویان به این صورت توزیع شده‌اند که ۲۹ درصد کم، ۴ درصد متوسط و ۶۷ درصد اعتماد اجتماعی زیاد داشته‌اند. ۴۷ درصد از افراد دارای میزان رضایت اجتماعی پایینی بوده‌اند، ۴۰ درصد از افراد میزان رضایت اجتماعی متوسط و تنها حدود ۱۴ درصد، از میزان رضایت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. در مورد احساس امنیت نیز بیش از ۴۷ درصد دارای احساس امنیت پایین، ۳۸ درصد دارای احساس امنیت متوسط و ۱۴ درصد دارای احساس امنیت اجتماعی بالایی بوده‌اند. در مورد اعتقادات مذهبی حدود ۸۶ درصد از افراد دارای اعتقادات مذهبی بالا، ۱۳ درصد پایین و ۱ درصد دارای اعتقادات مذهبی متوسط بوده‌اند. رضایت از خدمات شهری در بین ۳۶ درصد از افراد کم، در ۳۴ درصد از افراد متوسط و در مورد ۲۹ درصد

۱۶۱ بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط ...

از افراد زیاد بوده است. نشاط اجتماعی در ۵ درصد از افراد کم، در ۷۴ درصد از افراد متوسط و در ۲۱ درصد از پاسخگویان زیاد بوده است.



آزمون فرضیات

جدول ۲- شاخص همبستگی بین متغیرهای مستقل و میزان نشاط اجتماعی

تعداد نمونه (n)	سطح معناداری (p)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	شاخص آماری متغیر	متغیر
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۲۰۲	نشاط اجتماعی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی)
	۰/۰۰۰	۰/۳۶۸		پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی)
	۰/۰۳۴	-۰/۱۰۹		احساس محرومیت نسبی
	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۵		احساس بی‌هنجاری
	۰/۰۰۰۴	۰/۱۴۹		احساس عدالت اجتماعی
	۰/۰۰۰	۰/۴۲۴		همبستگی اجتماعی
	۰/۰۰۰	۰/۴۰۷		اعتماد اجتماعی
	۰/۰۰۰	۰/۳۸۴		رضایت اجتماعی
	۰/۰۰۰	۰/۳۹۸		احساس امنیت اجتماعی
	۰/۰۰۰	۰/۵۶		پایبندی به اعتقادات مذهبی
	۰/۰۰۰	۰/۲۱۶		میزان رضایت از خدمات شهری

اولین فرضیه در خصوص پایگاه اجتماعی- اقتصادی و رابطه آن با متغیر نشاط اجتماعی می‌باشد. میزان ضریب همبستگی بدست آمده نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار با اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. بنابراین رابطه محاسبه شده را می‌توان به جمعیت آماری تعمیم داد. بنابراین هر چه در جامعه افراد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتری برخوردار باشند از نشاط اجتماعی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. در مورد بُعد ذهنی پایگاه اجتماعی- اقتصادی نیز نتایج به همین ترتیب می‌باشد بنابراین افرادی که خود را از پایگاه‌های بالاتر می‌دانند احساس نشاط اجتماعی بیشتری نیز دارند.

احساس محرومیت نسبی متغیر مستقل بعدی است که رابطه آن با متغیر نشاط اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. مقدار همبستگی محاسبه شده در مورد رابطه این دو متغیر معنادار بوده و بنابراین فرضیه تحقیق مورد تایید قرار گرفت. بر این اساس می‌توان گفت در جمعیت آماری یا همان شهروندان شهر اهواز هر چه احساس محرومیت نسبی افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی کاهش می‌یابد. و بر عکس با کاهش احساس محرومیت نسبی میزان نشاط اجتماعی افزایش می‌یابد.

متغیر مستقل دیگر متغیر احساس بی‌هنجاری است. در فرضیه چهارم عنوان شده است که بین احساس بی‌هنجاری و نشاط اجتماعی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بدست آمده معادل $-0/315$ بوده است. این مقدار در سطح $0/05$ معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در جمعیت آماری یا همان شهروندان شهر اهواز هر چه احساس بی‌هنجاری افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی کاهش می‌یابد و بر عکس با کاهش احساس بی‌هنجاری میزان نشاط اجتماعی افزایش می‌یابد.

فرضیه بعدی در مورد رابطه متغیر احساس عدالت اجتماعی و نشاط اجتماعی می‌باشد. محاسبه مقدار ضریب همبستگی ($0/149$) نشان دهنده رابطه مستقیم و معنادار بین این دو متغیر می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در بین شهروندان شهر اهواز هر چه احساس عدالت اجتماعی افزایش یابد نشاط اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت.

فرضیه ششم به رابطه بین همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی می‌پردازد. مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده بالاتر از $0/4$ بدست آمده که این مقدار نشان از رابطه مستقیم و معنادار بین این دو متغیر دارد. هر چه فرد از همبستگی اجتماعی بالاتری بهره مند باشد نشاط اجتماعی نیز در وی بیشتر خواهد بود.

متغیر مستقل دیگر متغیر اعتماد اجتماعی می‌باشد. مقدار ضریب همبستگی مربوط به این دو متغیر نیز همچون متغیر همبستگی اجتماعی بالاتر از $0/4$ محاسبه شده است. بنابراین هرچه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی نیز در بین آنان افزایش خواهد یافت.

رابطه بین متغیر رضایت اجتماعی و نشاط اجتماعی نیز با توجه به محاسبه ضریب همبستگی پیرسون ($0/38$) مورد تأیید قرار گرفت. رابطه این دو متغیر نیز مستقیم و معنادار می‌باشد و نتایج آن با اطمینان ۹۹ درصد به جمعیت آماری قابل تعمیم می‌باشد.

احساس امنیت اجتماعی متغیر مستقل دیگری است که در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفت تا رابطه آن با نشاط اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. مقدار ضریب همبستگی بدست آمده در مورد رابطه این دو متغیر حدود $0/4$ محاسبه گردید. این مقدار نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بوده است. نتیجتاً هر چه احساس امنیت در بین شهروندان افزایش یابد نشاط اجتماعی نیز در بین آنان افزایش خواهد یافت.

پایبندی به اعتقادات مذهبی در جوامع مذهبی از متغیرهای تأثیرگذار در اغلب مسائل اجتماعی است. در مورد نشاط اجتماعی نیز همان گونه که نتایج نشان داد این متغیر دارای رابطه معنادار می‌باشد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0/56$ بدست آمد که این مقدار نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر می‌باشد. بنابراین افرادی که به لحاظ اعتقادات مذهبی قوی تر هستند از میزان نشاط اجتماعی بالاتری نیز بهره می‌برند.

آخرین متغیر، متغیر میزان رضایت از خدمات شهری می‌باشد. فرضیه یازدهم تحقیق به رابطه این متغیر با نشاط اجتماعی می‌پردازد. مقدار ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۲۱۶ نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر بوده است. هرچه میزان رضایت از خدمات شهری در بین شهروندان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی نیز در بین آنان افزایش خواهد یافت.

رگرسیون چندمتغیره

در تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نتایج نشان داد که ضریب همبستگی چندگانه حدود ۰/۷۱ بدست آمده و ضریب تعیین حدود ۰/۵۱ می‌باشد، بدین معنی که متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۵۱ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند. همان گونه که در جدول ۳ مشخص شده در گام نخست متغیر پایبندی به اعتقادات مذهبی وارد معادله شده که با وارد شدن این متغیر مقدار R (ضریب تعیین) برابر با ۰/۳۲ و بتا برابر با ۰/۵۶۵ محاسبه شده است. بر این اساس می‌توان پیش بینی کرد که به ازای هر یک واحد افزایش در پایبندی به اعتقادات مذهبی، نشاط اجتماعی به میزان ۰/۵۶۵ افزایش می‌یابد و این بدان معناست که پایبندی به اعتقادات مذهبی نقش قابل ملاحظه‌ای در تغییر نشاط اجتماعی دارد. در گام بعدی، متغیر احساس امنیت اجتماعی وارد معادله رگرسیونی می‌شود. با ورود این متغیر به معادله R به میزان ۰/۰۶۴ افزایش یافته و به ۰/۳۸۴ می‌رسد. بتا نیز برابر ۰/۲۶۴ و در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

بعد از این دو متغیر، متغیر احساس محرومیت نسبی وارد معادله شده که با ورود این متغیر R به ۰/۴۲۸ افزایش می‌یابد. مقدار بتا نیز برای این متغیر ۰/۲۷۲ می‌باشد. بر این اساس، به ازای هر یک واحد افزایش در احساس محرومیت نسبی، نشاط اجتماعی به میزان ۰/۲۷۲ افزایش خواهد یافت.

در گام چهارم متغیر عدالت اجتماعی وارد معادله رگرسیونی شد. با وارد شدن این متغیر به معادله، R به $0/446$ افزایش یافت. با توجه به مقدار بتای به دست آمده ($0/165$)، می‌توان این گونه پیش بینی کرد که به ازای هر یک واحد افزایش در عدالت اجتماعی، نشاط اجتماعی به میزان $0/165$ افزایش خواهد یافت.

پس از این چهار متغیر، متغیر اعتماد اجتماعی وارد معادله شد. با توجه به نتایج به دست آمده، R به $0/467$ افزایش می‌یابد. مقدار بتا نیز برای این متغیر $0/181$ می‌باشد. یعنی به ازای هر یک واحد افزایش در اعتماد اجتماعی، نشاط اجتماعی به میزان $0/181$ افزایش خواهد یافت.

در گام ششم، متغیر بی‌هنجاری وارد معادله رگرسیونی شد. با وارد شدن این متغیر به معادله، R به $0/489$ افزایش یافت. با توجه به مقدار بتای به دست آمده ($0/313$)، می‌توان این گونه پیش بینی کرد که به ازای هر یک واحد افزایش در بی‌هنجاری، نشاط اجتماعی به میزان $0/313$ افزایش خواهد یافت.

در گام هفتم، متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی (بُعد ذهنی) وارد معادله رگرسیونی شد. با وارد شدن این متغیر به معادله، R تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده و به $0/497$ افزایش یافت. با توجه به مقدار بتای به دست آمده ($0/168$)، می‌توان اینگونه پیش بینی کرد که به ازای هر یک واحد افزایش در پایگاه اجتماعی-اقتصادی (بُعد ذهنی)، نشاط اجتماعی به میزان $0/168$ افزایش خواهد یافت.

در نهایت، آخرین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شد، متغیر همبستگی (انسجام) اجتماعی می‌باشد. با وارد شدن این متغیر به معادله، R تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده و به $0/503$ افزایش یافت. با توجه به مقدار بتای به دست آمده ($0/104$)، می‌توان اینگونه پیش بینی کرد که به ازای هر یک واحد افزایش در همبستگی (انسجام) اجتماعی، نشاط اجتماعی به میزان $0/104$ افزایش خواهد یافت.

متغیرهای مستقل دیگر وارد معادله رگرسیونی نشدند. بدین ترتیب در تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نتایج نشان داد ضریب همبستگی چندگانه

بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط ... ۱۶۷

حدود ۰/۷۱ بدست آمده است و ضریب تعیین حدود ۰/۵۱ می باشد بدین معنی که متغیرهای مستقل توانسته اند ۵۱ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند.

جدول ۳- ضرایب تحلیل رگرسیونی چند متغیره شاخص نشاط اجتماعی

مقدار R Square تجمعی	سطح معناداری	مقدار ضریب Beta	مقدار ضریب F	نام متغیر مستقل
۰/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۵۶۵	۱۵۸/۸۲۷	پایبندی به اعتقادات مذهبی
۰/۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	۱۰۴/۹۷۱	احساس امنیت اجتماعی
۰/۴۲۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۲	۸۳/۸۷۶	احساس محرومیت نسبی
۰/۴۴۶	۰/۰۰۱	۰/۱۶۵	۶۷/۴۰۲	عدالت اجتماعی
۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	۰/۱۸۱	۵۸/۵۲۷	اعتماد اجتماعی
۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۳	۵۳/۰۳	بی هنجاری
۰/۴۹۷	۰/۰۱۸	۰/۱۶۸	۴۶/۸۹۶	پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی)
۰/۵۰۳	۰/۰۴۶	۰/۱۰۴	۴۱/۹۰۵	همبستگی (انسجام) اجتماعی

تحلیل مسیر

در این پژوهش جهت مشخص نمودن تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و هم چنین میزان کارایی مدل پژوهش از تحلیل مسیر استفاده شده است. «مدل مسیر وسیله‌ای سودمند برای به نمایش درآوردن الگوی روابط علی در میان مجموعه‌ای از متغیرهاست» (منصور فر، ۱۳۸۷: ۱۹۸). برای این کار، در گام اول تمامی متغیرهای مستقل پژوهش که با متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) در ارتباط بودند،

وارد تحلیل شدند تا متغیرهایی که در مدل مؤثرند مشخص شوند. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود متغیرهای مستقل (پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بُعد ذهنی، احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی و پایبندی به اعتقادات مذهبی) دارای سطح معناداری قابل قبول هستند و با متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) رابطه مثبت و معناداری دارند و در مدل باقی ماندند.

در گام دوم متغیر مستقلی (پایبندی به اعتقادات مذهبی) که دارای بیشترین مقدار بتا ($0/425 =$) در ارتباط با متغیر وابسته بود، به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شد و متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بُعد عینی، همبستگی (انسجام) اجتماعی، رضایت اجتماعی، و رضایت از خدمات شهری) از معادله حذف شدند. در این معادله ضریب تعیین $0/321$ به دست آمد.

در گام سوم متغیر مستقلی (احساس امنیت اجتماعی) که دارای بیشترین مقدار بتا ($0/561 =$) در ارتباط با متغیر وابسته بود، به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شد و متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس عدالت اجتماعی از معادله حذف شدند. در این معادله ضریب تعیین $0/772$ به دست آمد.

در گام چهارم نیز متغیر مستقلی (احساس بی‌هنجاری) که دارای بیشترین مقدار بتا ($0/441 =$) در ارتباط با متغیر وابسته بود، به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شد. در این معادله هیچ متغیری حذف نشد و ضریب تعیین $0/494$ به دست آمد.

سرانجام در گام پنجم، متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بُعد ذهنی به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شد که همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود اعتماد اجتماعی با مقدار بتای ($0/355 =$) ارتباط معناداری با متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بُعد ذهنی دارد. در این معادله نیز ضریب تعیین $0/126$ به دست آمد.

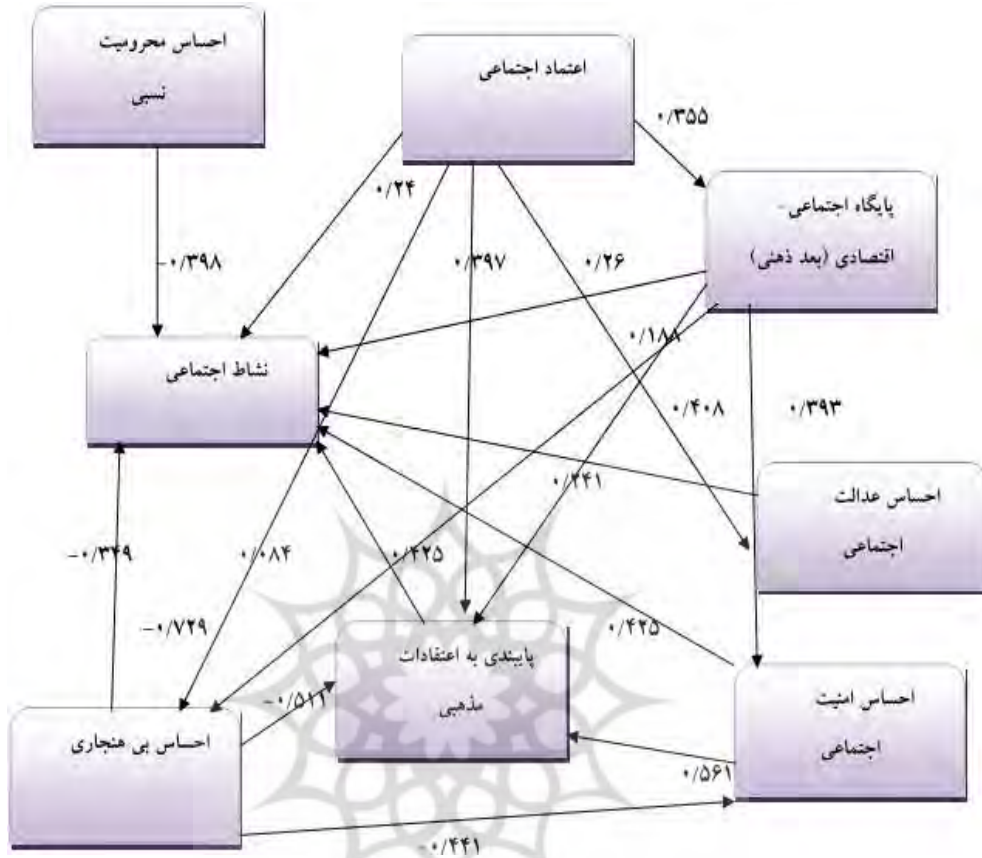
جدول ۴- نوع و شدت روابط و سطح معناداری در مدل تحلیل

نام متغیر مستقل	شماره متغیر	شماره مسیر	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری
پایبندی به اعتقادات مذهبی	۲	P۲۱	۰/۴۲۵	۰/۰۰۰
احساس امنیت اجتماعی	۳	P۳۱	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰
احساس بی هنجاری	۴	P۴۱	۰/۴۴۱	۰/۰۲۴
پایگاه اجتماعی- اقتصادی (بعد ذهنی)	۵	P۵۱	۰/۳۵۵	۰/۰۰۰

جدول ۵- مجموع آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر نشاط اجتماعی

شماره متغیر	نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	جمع اثرگذاری
۱	پایبندی به اعتقادات مذهبی	-۰/۳۹۸	۰	-۰/۳۹۸
۲	احساس امنیت اجتماعی	۰/۴۲۵	۰/۵۶۱	۰/۹۸۶
۳	احساس بی هنجاری	-۰/۳۴۹	۰/۲۲۵	-۰/۱۲۴
۴	پایگاه اجتماعی- اقتصادی (بعد ذهنی)	۰/۲۶	-۰/۰۵۳۸	۰/۲۱
۵	اعتماد اجتماعی	۰/۲۴	۰/۰۰۳	۰/۲۴۳

بنابر نتایج به دست آمده، مدل تجربی این تحقیق به صورت زیر ارائه می گردد:



با توجه به نتایج به دست آمده، متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد ذهنی، احساس محرومیت نسبی، احساس بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی و پایبندی به اعتقادات مذهبی تأثیر مستقیمی بر نشاط اجتماعی داشته و متغیرهایی همچون پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد ذهنی، احساس بی‌هنجاری، احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی پس از تأثیر بر پایبندی به اعتقادات مذهبی به طور غیر مستقیم بر نشاط اجتماعی تأثیرگذارند. پس از آنها متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد ذهنی، احساس بی‌هنجاری، و اعتماد اجتماعی پس از تأثیر بر احساس امنیت اجتماعی به طور غیرمستقیم بر نشاط

اجتماعی تأثیر می‌گذارند. همچنین پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد ذهنی و اعتماد اجتماعی پس از تأثیر بر احساس بی‌هنجاری به طور غیرمستقیم بر نشاط اجتماعی تأثیر می‌گذارند، و در نهایت پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد ذهنی پس از تأثیر بر اعتماد اجتماعی به طور غیرمستقیم بر نشاط اجتماعی تأثیر گذار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان گونه که نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد هم پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد ذهنی با نشاط اجتماعی رابطه معنادار دارد و هم پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بُعد عینی آن. این یافته نشان می‌دهد که مفهوم نشاط اجتماعی را باید در بستر طبقاتی مدنظر قرار داد. مطابق تئوری مرتون (۱۹۶۸) همه طبقات اجتماعی آرزومندی‌های نسبتاً مشابهی را دنبال می‌کنند، به عبارتی؛ طبقات پایین تر جامعه به اندازه طبقات بالاتر جامعه آرزومندی دستیابی به این اهداف را دارند اما ابزارهای آنها در رسیدن به این آرزومندی‌ها یکسان نیست، این شکاف منجر به بروز احساس آنومی می‌شود که به نوبه خود بر نشاط افراد در محیط فردی و اجتماعی اثرگذار است. هم چنین در فرض رابطه بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی، این فرضیه تأیید شد. از نظر مرتون احساس محرومیت نسبی، حالتی روانی و احساس کمبودی است که فرد پس از مقایسه با گروه یا فردی که برای او الگو و مرجع مقایسه است، بروز می‌کند. فرد چنانچه خودش را با فرد یا گروهی که شخص دوست دارد شرایط مشابهی با وی داشته باشد مقایسه کرده و به این پنداشت و ارزیابی ذهنی برسد که شرایط وی نسبت به مرجع مقایسه، همانند نیست، دچار احساس محرومیت نسبی شده و در صورت تداوم و تعمیم این احساس به نارضایتی، انحراف و شورش می‌انجامد (صفدری، ۱۳۷۴: ۲۶).

این مسئله در فرضیه وجود رابطه بین احساس بی‌هنجاری و نشاط اجتماعی نیز مطرح شد که برگرفته از نوع نگاه دورکیم و مرتون به بی‌هنجاری بود، نتایج؛ این رابطه را تأیید کرد. تأیید این رابطه به نوعی تأیید تئوری مرتون و دورکیم پیرامون آنومی و نشاط است. بر این اساس، به نظر مرتون یک جامعه یا نظام اجتماعی می‌تواند در حالت سوء یکپارچگی قرار بگیرد که در چنین شرایطی تعادل ساختاری در معرض تهدید قرار می‌گیرد و بر وسایل نهادی شده کمتر از اهداف نهادی شده تأکید می‌شود. همچنین دورکیم معتقد است افزایش دامنه توقعات و شکاف بین نیازها و میزان رسیدن به آنها زمینه‌ای است برای بروز انواع نارضایتی و فردگرایی مفرط ناشی از توجه به منافع فردی تشدید کننده این احساس بوده و در نهایت باعث خواهد شد که نفوذ نظارت کننده و تهدید کننده جامعه و نظام اخلاقی مشروعیت خود را از دست داده و فرد ایمان خود را به آنها از دست بدهد و در نتیجه به ورطه هولناک توقعات فزاینده فرو افتد. در این شرایط شکافی عمیق بین خواست‌های فردی و میزان شادی وی به وقوع می‌پیوندد که مقدمه بروز انواع ناراحتی‌ها، اضطراب‌ها و انحرافات خواهد بود.

در مورد رابطه احساس عدالت اجتماعی و نشاط اجتماعی نیز باید گفت؛ تئوری عدالت توزیعی به نقش توزیع نابرابر پاداش‌ها بر حسب میزان سرمایه‌گذاری‌ها تأکید دارد. این نکته اشاره به این دارد که ارزیابی از توزیع نابرابر پاداش‌ها مقدمه بروز نارضایتی و کاهش شادی و نشاط در جامعه است. جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بهتری نسبت به جامعه‌ای دارد که منابع در آن به شکل ناعادلانه توزیع می‌شود و توزیع عادلانه به این معناست که برای محروم‌ترین افراد مطلوب باشد.

در مورد فرضیه مربوط به رابطه بین همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی که تأیید شد، باید این رابطه را این گونه تبیین کرد که تئوری دورکیم که در زمینه خودکشی خود به نقش میزان احساس انسجام و همبستگی اجتماعی و پیوند فرد در گروه تأکید دارد معتقد است که هر چه فرد بیشتر در گروه جذب شده و پیوندهای

عمیق تری با گروه داشته باشد، در نهایت باعث آرامش و خشنودی و شادی وی می‌گردد و برعکس عدم پیوند فرد با گروه باعث بروز انواع ناراحتی‌ها و کج روی‌های فردی که ریشه در ناخشنودی و عدم نشاط دارد، می‌شود.

نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. از نظر گیدنز اعتماد اضطراب را کاهش داده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها، (حتی آنهایی که به طور مستقیم در حوزه ادراک شخص قرار دارند) یا امنیت وجودی را در فرد به وجود می‌آورد. به اعتقاد او اعتماد نه کیفیتی کلی و وجهی از همبستگی اجتماعی، بلکه شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر حیات اجتماعی به شمار می‌رود. کانون اصلی اعتماد در تمام انواع آن، استمرار رفتار و زندگی و سپس قابلیت پیش‌بینی آن می‌باشد. بنابراین می‌توان وجود اعتماد اجتماعی در ایجاد و افزایش نشاط را تبیین کرد.

در مورد رابطه بین دو متغیر رضایت اجتماعی و نشاط اجتماعی نیز این فرضیه تأیید شد، بدین صورت که هر چه رضایت اجتماعی افراد بیشتر بوده میزان نشاط نیز افزایش یافته است. از نظر پارسونز یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که در موقعیتی که دست کم جنبه‌ای فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران بر حسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته می‌شوند. از نظر پارسونز اگر اهداف مردم در جامعه توسط نهادهای اجتماعی تحقق یابد مردم در جهت تحقق اهداف فردی و اجتماعی، اعتماد خود را در نهادهای اجتماعی سرمایه گذاری می‌کنند؛ که این خود به معنای مشروعیت این نهادها از یک سو و تداوم حمایت مردم از سوی دیگر خواهد بود و در نتیجه ایجاد و افزایش نشاط در بین افراد خواهد شد.

نتایج نشان داد که بین احساس امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در این رابطه نیز باید گفت؛ احساس امنیت از جمله نیازهای اساسی بشر است که عدم ارضاء این نیاز تا حد زیادی فرد را دچار مخاطرات روحی و

روانی کرده و تشویش، نگرانی و نارضایتی از وضع موجود را برای وی در پی خواهد داشت. این نیاز می‌تواند در بروز احساس آرامش خاطر دخیل باشد، در این صورت فرد احساس سودمندی و مؤثر بودن در جامعه کرده و احساس شادی و نشاط بیشتری خواهد کرد.

در مورد رابطه بین دو متغیر پایبندی به اعتقادات مذهبی و نشاط اجتماعی نیز این فرضیه تأیید شد بدین صورت که هر چه پایبندی به اعتقادات مذهبی افراد بیشتر بوده میزان نشاط نیز افزایش یافته است. بر این اساس باید گفت؛ به نظر می‌رسد آرامش خاطری که به سبب اعتقاد به مذهب و دین در فرد ایجاد می‌شود به واسطه دین که او را به یک منبع فناشدنی متصل می‌کند و هستی او را در گستره‌ای فراتر از زندگی مادی در نظر می‌گیرد، باعث کاهش نگرانی‌ها و افزایش شادی و نشاط وی می‌شود. «از نظر دورکیم مذهب یک نیاز اجتماعی است که با وجود تغییراتی که ممکن است در سازمان روی دهد همواره وجود نخواهد داشت» (منظری توکلی و عراقی پور، ۱۳۸۹: ۲۳). همچنین نتایج نشان داد که بین رضایت از خدمات شهری و نشاط اجتماعی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همانگونه که گفته شد این متغیر نیز از تئوری عدالت توزیعی هومنز اقتباس شده است. زمانی که افراد یک جامعه از چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی احساس رضایت کنند، میزان رضایت از زندگی و نشاط آنها نیز افزایش می‌یابد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ کمالی، افسانه. (۱۳۸۳)، اعتماد، اجتماع، جنسیت، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- ازکمپ، استوارت. (۱۳۷۳)، روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه: فرهاد ماهر، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.

بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط ... ۱۷۵

- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۵)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی تفکر نظری در جامعه‌شناسی**، ترجمه: علی محمد حاضری و همکاران، تهران: انتشارات تابان، چاپ دوم.

- خیرالله پور، اکبر. (۱۳۸۵)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی، **پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی**، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

- چلبی، مسعود؛ موسوی، محسن. (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره نهم، ش ۲۰.

- دیلینی، تیم. (۱۳۸۹)، **نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**، ترجمه: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.

- رحیمی‌یگانه، زهرا. (۱۳۸۶)، خانواده شاد و با نشاط (خانواده موفق / دفتر ۳)، تهران: سازمان ملی جوانان، چاپ اول.

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، **آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران**، تهران: انتشارات سروش.

- ریتزر، جرج. (۱۳۸۸)، **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.

- ریتزر، جرج. (۱۳۹۰)، **مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن**، ترجمه: خلیل میرزایی و علی بقایی سرابی، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.

- صبوری، منوچهر. (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی سازمان‌ها**، تهران: نشر شب تاب، چاپ پنجم.

- صفدری، سلمان. (۱۳۷۴)، **رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن**، **پایان نامه کارشناسی ارشد**. دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی.

- قطره‌ای، فرشته. (۱۳۸۵)، بررسی رابطه شادکامی (نشاط) و کیفیت عوامل آموزشی در دوره ابتدایی مدارس شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۷)، تحلیل عوامل جامعه شناختی مؤثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰)، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پانزدهم.
- لیاقتدار، محمدرضا؛ عابدی، محمدرضا؛ جعفری، ابراهیم. (۱۳۸۷)، هنجاریابی سیاهه شادکامی فوردایس اصفهان در دانشجویان، فصلنامه روان شناسی، سال ۱۲، ش ۴۶.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- منظری توکلی، علیرضا؛ عراقی پور، نجمه. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین دینداری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹، فصلنامه روان شناسی تربیتی، سال ۶، ش ۱۹.
- هزار جریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی با تأکید بر استان تهران، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۳، شماره ۱.
- هزار جریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۸۹)، بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال دوم، ش ۳.

- Argyle, M. (۲۰۰۱). **The psychology of happiness**, second edition, Rutledge is imprint of the Taylor and Francis group.
- Costanzo, Philip. R, Show, Marvin. E. (۱۹۸۵). “**Theories of social psychology**”, USA, Mc Grow-Hill second edition.
- Myers, D. G., Diner, E. (۱۹۹۵). **Who is happy?** Psychological science, No ۶.
- Merton, Robert (۱۹۶۸). **Social Theory and Social Structure**, New York: Free Press.
- Lewis, C. A., Malt by, J., Day, L. (). **Religious orientation, religious coping and happiness among UK adults**, Personality and Individual Differences, .
- Snoop, Liesbeth (). Religiousness and happiness in three nations: A research note, **Journal of happiness studies**, .
- Wallace, R., Wolf, A. (۱۹۸۶). “**Contemporary sociological theory**” USA, prentice- hall, second edition.